



به گفته مایور مسئله اساسی در رابطه با یونسکو و جاده ابریشم پرکردن شکافهای ایدئولوژیکی و از بین بردن فرازونشیبهای تاریخی و تعصب و جنگهاست و یونسکو تلاش می‌کند روندی ایجاد کند که برای گفت‌وگوهای فرهنگی ملل، مفید باشد.

مایور، دریافت اطلاعات درخصوص میراث فرهنگی کشورها و احترام برای ارزشهای خاص، سنتها و خلاقیت‌های مردم را از عوامل مهم اهتمام یونسکو درخصوص جاده ابریشم برشمرد. در پیام دبیرکل یونسکو همچنین آمده است: یونسکو و سازمان جهانی جهانگردی (WTO) برنامه‌های مشترکی را با عنوان «سفری به اعماق علم» درخصوص جاده ابریشم آغاز کرده‌اند.

سجاد محمدی

افغانستان: شب بی پایان

مشکلی که با کودتای آوریل ۱۹۷۸ در افغانستان به وجود آمد بعد از گذشت ۱۹ سال همچون گذشته ثابت و پابرجاست. حقیقت این است که آغاز بد پایان بد در پی دارد. در آغاز کار، افغانستان به عنوان صحنه جنگ سرد بین آمریکا و اتحاد شوروی سابق پنداشته می‌شد و قربانی مطامع این دو کشور شد. قربانیان دیگر ایران، پاکستان، لبنان و فلسطین می‌باشند. این نظراتی است که نه تنها بنیادگرایان اسلامی آن را تأیید می‌کنند، بلکه اکثریت کارشناسان آمریکایی و اروپایی از جمله دکتر بچولا هارون، نخست‌وزیر اتریش آن را تأیید می‌کند.

پاکستان به عنوان یکی از بازیگران اصلی بازی به عنوان دفع تهاجم سال ۱۹۷۹ شوروی سابق طعم میوه زهرآگین ایفای نقش فعال به عنوان کشور جبهه مقدم را چشیده است. تهاجم شوروی به افغانستان جبهه مقدم را به وجود آورد. یکی از این کشورها پاکستان و دیگری ایران بود. پاکستان در این بازی هرگونه کمکها را به دست می‌آورد در حالی که به ایران جنگی هدیه گردید که در آن ائتلاف آمریکا و کشورهای خلیج فارس به اضافه عراق و اسرائیل در مقابل ایرانی‌ها سهم گرفتند. این ائتلاف اساساً بخاطر جلوگیری از توسعه کمونیزم و پیشروی اتحاد شوروی به طرف آبهای گرم به وجود آمده بود. طراحان سیاست پاکستان و آنانی که در افغانستان و منطقه، خواستار صلح‌اند باید این واقعیت تلخ را بپذیرند که بحران افغانستان و



سایر بحرانهای منطقه نتیجه بازی‌های ماکیاول مابانه‌ای است که سرپرستی آن را آمریکا و اسرائیل به دوش دارند. هدف این دو کشور محاصره اسلام و مسلمانها است.

افغانستان مورد تهاجم و تجاوز قرار گرفت. آتش جنگ در آنجا شعله‌ور نگهداشته شد و مردم مسلمان آن کشور در آن سوختند؛ کشورشان به خاکستر مبدل گردید. این کار به این خاطر صورت گرفت که اتحادی بین افغانستان، پاکستان و ایران که کشورهای مسلمان منطقه‌اند به وجود نیاید. به افغانستان به این خاطر تجاوز شد که آن شعله‌ای را خاموش سازند که شاید رژیم استعماری صهیونیستی (که فلسطین را اشغال کرده است) خاکستر می‌ساخت. به مسکو اجازه داده شد که بعد از ده سال اشغال افغانستان بدون جبران خسارت نیروهای خود را از آن کشور فراخواند. رژیمهای مزدور آمریکا در جهان مسئول آن همه مصیبتی‌اند که مردم افغانستان بعد از کودتای آوریل به آن مبتلا گردیده‌اند.

نیروهای مقاومت افغانی همچنان در حال جنگند و این جنگ بیش از پانزده سال است ادامه دارد.

در صورت عدم حصول یک توافق همه‌جانبه سیاسی، فرماندهان گروههای مختلف حاضر نیستند که سلاح خود را به زمین بگذارند و از امتیازات خود که در جریان درگیری در افغانستان به دست آورده‌اند، صرف‌نظر کنند. مشکل اصلی این است که رهبران افغانی نمی‌توانند به ضرورت قطع مخاصمات و درگیری پی ببرند. مشکلات دکتر هول نماینده ویژه سازمان ملل متحد برای افغانستان از همین جا ناشی می‌شود. نماینده سازمان ملل متحد که برای به وجود آوردن یک حکومت فراگیر در افغانستان فعالیت می‌کند می‌گوید: حل قضیه افغانستان پاسخگوی مشکلات مردم افغانستان است. هرچند طالبان و مخالفین آنها همین نظر را تأیید کرده‌اند اما هیچ یک از اطراف قضیه آماده نیستند به جنگ خاتمه دهند. حقیقت این است که طرفهای درگیر هریک به امید کامیابی بر مخالفان خود به جنگ ادامه می‌دهند و از همین جهت به مصالحه تن در نمی‌دهند.

این موضع طرفهای درگیر سبب ویرانی افغانستان می‌گردد. از آنجا که یکی از طرفهای درگیر آنقدر قوی نیست که حریف خود را نابود سازد از همین جهت جنگ ادامه می‌یابد. به‌علاوه، تغییر در گروه‌بندی‌ها بر توازن نیروها در افغانستان تأثیر می‌کند و سبب آن می‌شود که هیچ‌یک از گروهها نتواند مواضع خود را در مقابل دیگران حفظ نماید. در نتیجه این بازی مشکل افغانستان دائمی شده است. هیچ‌کس در فکر بازسازی و ایجاد یک نظام سیاسی مورد



قبول همهٔ مردم نمی‌باشد. در چنین حالتی نمی‌توان به بهبود شرایط زندگی توده‌های مردم که از جنگهای داخلی به ستوه آمده‌اند امید داشت.

بحران افغانستان به صلح و ثبات آسیا نیز تأثیر می‌کند؛ کشورهای منطقه از آن به صورت خاص متضرر می‌شوند. جنگ افغانستان هم اکنون بر منازعه جاری تاجیکستان اثرات فراوانی بجا گذاشته است. نکتهٔ مهم این است که بحران افغانستان بر روابط پاکستان و ایران و روسیه تأثیر منفی می‌گذارد. به نظر می‌رسد هول نمایندهٔ ویژهٔ دبیرکل سازمان ملل در امور افغانستان باید سیاست رفت‌وآمد بین کشورهای ذی‌علاقه در بحران افغانستان را اختیار کند؛ زیرا وی بدون ترغیب و تشویق کشورهای خارجی که در افغانستان نفوذ دارند نخواهد توانست در اعادهٔ صلح به افغانستان پیروز شود.

همسایگان شمالی افغانستان با داشتن روابط تاریخی با اتحاد شوروی سابق و روسیه آن هم تا حدی که به آن کشور اجازه می‌دهند سربازان خود را در قلمروشان جابجا کنند در مقابل طالبان علناً از روسیه حمایت می‌کنند و با ترس و هراسی که از توسعهٔ نفوذ طالبان در ماورای آمو دریا دارند به اقلیتهای نژادی، مخصوصاً نیروهای تاجیک نژاد احمدشاه مسعود و نیروهای ازبک دوستم کمکهای فراوان نظامی و مالی می‌کنند. این کشورها اجازه نخواهند داد طالبان به پیشروی خود به آن سوی هندوکش ادامه دهند. کشورهای آسیای مرکزی به این خاطر از طالبان هراس دارند که شاید پیروزی آنها که عمدتاً پشتون می‌باشند، سبب از بین رفتن دولتهای کوچک تاجیک و ازبک در شمال افغانستان گردد. سقوط این دولتهای کوچک احتمالاً منجر به سرازیر شدن مهاجران به آسیای مرکزی خواهد شد. رسیدن این مهاجران به کشورهای آسیای مرکزی که شامل ده‌ها هزار جنگجوی ورزیده نیز می‌شود سبب تشدید کشمکشهای موجود در کشورهای آسیای مرکزی خواهد گردید.

به‌طور مثال، تاجیکستان خود مبتلا به جنگ داخلی است. رسیدن مسعود و سربازان جنگی وی به تاجیکستان به جنگ این کشور ابعاد تازه‌ای خواهد بخشید. علاوه بر آن، مسعود همیشه از تشکیل یک تاجیکستان بزرگ دم می‌زند. اگر وی به تاجیکستان برود این هدف خود را با جدا کردن قسمتی از خاک ازبکستان برآورده خواهد ساخت. با این ترتیب با رسیدن مسعود به آسیای مرکزی امکان احیای خصومت سابق بین ازبکستان و تاجیکستان به وجود خواهد آمد. ازبکستان یک‌بار در سال ۱۹۲۲ به مدت محدودی تاجیکستان را اشغال کرده بود. اگر جنگ فعلی افغانستان به شمال منتقل شود ثبات اندکی که در آسیای مرکزی



موجود است از بین خواهد رفت و این امر زمینه را برای مداخله روسیه که همین حالا نیروهای نظامی اش در منطقه جابجا می شود فراهم می کند.

اگر این وضع پیش آید، جنگ فعلی افغانستان به یک جنگ نژادی مبدل خواهد شد که در آن صورت پاکستان مخصوصاً در سرحدات که اکثراً پشتون نشین می باشد، نمی تواند از اثرات منفی آن راه گریزی داشته باشد.

بازیگران اصلی و مهم افغانستان برای جلوگیری از پیش آمدن چنین حالتی هیچ اقدامی نکرده اند. آمریکا به طالبان کمک می کند.

جنگ در افغانستان ابعاد تازه تری به خود گرفته است. اگر روسیه یا کشورهای آسیای مرکزی، هند، چین و ایران در مقابل پاکستان جبهه ای ایجاد کنند در آن صورت پاکستان به انزوا کشانیده خواهد شد. این امکان هم وجود دارد که بحران افغانستان از سین کیانگ تا دریای سیاه را با عدم ثبات مواجه سازد.

برای رهایی از این بحران یک راه خروج وجود دارد و آن این است که ایران و پاکستان کمیسیون مشترکی را تشکیل دهند تا بعد از مطالعه احوال و کیفیت بحران، راه حلی را برای قضیه جستجو کنند. اگر قرار باشد که بحران افغانستان حل شود، باید این کار در اسرع وقت انجام شود چراکه پاکستان و ایران دو کشور همسایه اند که قلباً می خواهند یک رژیم اسلامی و مستحکم در افغانستان به وجود آید.

روزنامه مسلم، ۱۱/۳/۱۹۹۷، چاپ پاکستان

اشتغال زنان در ازبکستان

تحکیم استقلال جمهوری ازبکستان، ورود آن به روابط اقتصادی جهانی و همچنین موفقیت آمیز بودن اصلاحات اقتصادی عمدتاً در گرو تکمیل سیاست اشتغال می باشد. این ناشی از آن است که در شرایط گذار مرحله ای به مناسبات بازار آزاد مسئله استفاده معقولانه از نیروهای انسانی بیش از پیش مبرم می شود.

در شرایط خاص ازبکستان، حل مسئله استفاده مؤثر از نیروهای انسانی و توجه به اشتغال زنان در دستور کار دولت قرار دارد. در ازبکستان جهت بهبود کلی وضع زنان اقدامات قاطعانه معمول می گردد. فرمان رئیس جمهور ازبکستان که در ابتدای سال ۱۳۶۹ در مورد